



گیلیخان
Gilixan

صوفیان

Sufiyan

TABRIZ

تبریز

شهر باستانی گیلیخان

(قدرت ابوالحسنی سہلان)

(۱) مقدمه

در این مقاله ابتدا، جهت آشنایی کلی با موضوعات متن توضیحات مختصری بیان خواهد گشت. سپس به کارها و نوشته های گذشته در مورد گیلیخان پرداخته میشود. قسمت سوم، در باره نام، موقعیت جغرافیایی ممتاز و دلایل ایجاد کننده مساحت وسیع گیلیخان خواهد بود. موضوع چهارم نیز وجه تسمیه و معناسازی کلمه گیلیخان میباشد که اتیمولوژی ترکی گیلیخان نشان میدهد، هویت بخشان به آن محل و ساکنین اولیه آنجا ترکان بوده اند. در مبحث پنجم، مشاهدات میدانی و مطالعات جدید از محوطه گیلیخان گزارش خواهد شد و عنوان ششم بررسی پیرهای منطقه گیلیخان و پیرهای احتمالی خود آنجا خواهد بود که آنها هم یک مطلب نو در مورد پیرها میباشد.

عناوین بعدی مقاله، به جستجوهای از جنبه های مختلف گیلیخان در تاریخ منطقه اختصاص یافته اند. همانطوریکه در قسمت هفتم خواهد آمد، تاکنون گیلیخان در کتب و اسناد تاریخی هشت قرن گذشته (بعد از ایلخانیان) مشاهده نگشته و بایستی لاقلاً بعنوان شهر قبل از ایلخانیان از بین رفته باشد. ولی علیرغم این بی خبریها، اسناد اراضی گیلیخان از گواهان موجودیت داشتنش، در قسمت هشتم با عنوان توپونیمهای گیلیخان در اسناد رسمی روستاهای منطقه گیلیخان آمده اند. در مبحث نهم، به جستجوی زلزله هایی که میتوانستند گیلیخان را از بین ببرند خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که شهر مزبور لاقلاً هزار سال پیش از بین رفته، بایستی تاریخ هزار سال پیش و بلکه هزاران سال پیش در آن اراضی نهفته باشد. یعنی، مدنیت گیلیخان باستانی بوده است. با توجه به شنیدن پیدا شدن اشیا مربوط به زمان اشکانیان (پارتها) از آنجا، عنوان پایانی مقاله یافته شدن آثار دوره اشکانیان از گیلیخان و هویت قومی آن محل باستانی خواهد بود و به دلیل مساحت غیرعادی وسیع گیلیخان، احتمال داده میشود آنجا از شهرهای مورد توجه و مهم سلسله اشکانیان باشد که بر ترک بودن آن سلسله نیز منابع موثقی ارائه شده اند. البته ممکن است، آثار دوران باستانی قبل از پارتها یا بعد از آنها هم در اراضی گیلیخان باشند.

امید است اینکار دست اول، موجب جلب توجه محققان و باستان پژوهان داخلی و حتی کشورهای جمهوری آذربایجان، ترکیه و دیگران گردد و در آینده جنبه های پنهان و پنهان نگهداشته شده مدنیت گیلیخان و منطقه آن هویدا شود. همچنین، باعث پاسخگویی مسئولین میراث فرهنگی تبریز و دیگران گردد که تاریخ منطقه گیلیخان را به یکی از اسرار سر به مهر خودشان تبدیل نموده، با مسئولیت ناپذیری و شاید رضایتشان

باعث فنا و تاراج میراث گرانقدر مادی و معنوی منطقه میگردند! نیز انتظار داریم، وضعیت تاسف بار شهر باستانی گیلیخان، طرفداران حفاظت از میراث فرهنگی گذشتگان را به خود جلب نماید.

۲) کارهای گذشته

سال ۱۳۹۵، در ویژه نامه روستای ساغالان (سهلان) ماهنامه ائل بیلیمی و قسمت ضرب المثل‌های مخصوص آن روستا در صفحه ۱۴۳، از مثلی به دو فرم یاد شده است: بیر گئچی ساغالاندا داما چیخدی صوفیاندا دوشدو یا بیر گئچی گیلیخاندا داما چیخدی ایسمی کمرده دوشدو! (بزی در ساغالان به پشت بام خانه ای رفته در صوفیان از پشت بام پایین آمد یا بزی در گیلیخان به پشت بام خانه ای رفته در سفیدکمر نزدیک صوفیان از پشت بام پایین آمد!) در آنزمان با توجه نبود شواهد قانع کننده و فاصله حدود ۲۰ کیلومتری ساغالان تا صوفیان، پیمودن آن مسیر از طریق پشت بام‌های بهم پیوسته منازل ساغالان یا گیلیخان ساغالان اغراق دانسته شده است! اما با توجه به مطالعات بعدی، اذعان از وجود ساغالان شهرمانند حدود ۴۰۰ سال قبل توصیف شده در سفرنامه اولیا چلبی و آگاهی از وجود اراضی با نام مشابه و بهم پیوسته گیلیخان/گیلیوان در پنج روستای منطقه که همگی شهر بودن گیلیخانشان را ابراز مینمایند و البته کشیده شدن گیلیخان واحد تا حدود یک فرسخی جاده صوفیان - سه راه نادرلی (نظرلو)، الان دیگر میتوان گفت رگه هایی از حقیقت در مثل‌های فوق هستند.

سال ۱۳۹۸، در مقاله اولیا چلبی و روستای سهلان چاپ ماهنامه ائل بیلیمی، تنها گیلیخان ساغالان بررسی گشته، احتمال شهر بودن آنجا بسیار کم دانسته شده بود. اما با توجه به مطالعات بعدی به این نتیجه رسیده شده که گیلیخان بایستی شهر بوده باشد. در مقاله مذکور، به محوطه قوم بازی آوار سفلی (آشاغی آوار) و یافته های آنجا بصورت جدا از گیلیخان پرداخته شده بود که در واقع چنین نبوده، بلکه قوم بازی هم قسمتی از گیلیخان بوده است. گیلیخان آوار سفلی اساساً دو نام گرفته است: یکی با نام گیلیخان (گیلیخان) بموازات گیلیخان ساغالان و چسبیده به آن در دو سمت تیرهای فشار قوی است و دیگری قوم بازی چسبیده به گیلیخانهای سمت پایین و طرف دریاچه اورمیه روستاهای مایان علیا (یوخاری مایان)، مایان سفلی (آشاغی مایان) و نادرلی میباشد. همچنین در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۱۵، از گیلیخان ساغالان و قوم بازی آوار سفلی مشاهدات میدانی انجام گرفته، تصاویر تهیه گشته، در مقاله چلبی و سهلان هم استفاده شده بود. شکل‌های ۱ و ۲ این مقاله نیز، به همان تاریخ مربوط هستند. شکل ۱، منظره ای از گیلیخان ساغالان را از کنار تیرهای فشار قوی به سمت مزارع گیلیخان آوار سفلی نشان میدهد که کشتزار گشته است. شکل ۲ هم، نمونه ای از گودالهای غیرمجاز ایجاد شده در قوم بازی (گیلیخان) آوار سفلی را نشان میدهد که

منعکس کننده اهمیت و قدیمی بودن آن محوطه میباشد. گفتنی است، محوطه قوم بازی به فاصله حدود ۳ کیلومتری تیرهای فشار قوی مذکور در سمت دریاچه اورمیه و کنار آغلی بنام آغل رحمان قرار دارد.



شکل ۱: منظره ای از گیلیخان ساغالان به سمت گیلیخان آلوار سفلی



شکل ۲: نمونه گودال غیرمجاز ایجاد شده در قوم بازی (گیلیخان) آلوار سفلی

سال ۱۴۰۰، در مقاله ساغالان (بازخوانی یک اثر قدیمی) چاپ ماهنامه اوزان، با ارائه آگاهیهای جدید در مورد گیلیخان احتمال شهر بودن آنجا دیگر زیاد شده بود. در مقاله بیان گشته بود، مزارع/ صحراهای همنام و به هم پیوسته گیلیخان در اراضی روستاهای ساغالان، آلوار سفلی، میان علیا و میان سفلی وجود دارند و در هر چهار روستا اهالیشان غالباً شهر بودن گیلیخان خودشان را اذعان مینمایند که بر اثر زلزله از بین رفته است. در مقاله یاد شده، مساحت چهار گیلیخان که طبیعتاً بایستی بازمانده از گیلیخانی واحد باشند، حداقل ۱۰ کیلومتر مربع تخمین زده شده بود. ولی پس از چاپ مقاله اطلاع حاصل شد، در روستای نادارلی نیز صحرایی بنام گیلیوان چسبیده به گیلیخان و با اسم مشابه آن وجود دارد که مردم آن روستا نیز درمورد گیلیوانشان گفته های مشابه اهالی چهار روستای قید شده قبلی دارند. بنابراین، طبیعتاً گیلیوان نیز بایستی

قسمت پنجم شهر گیلیخان باستانی باشد و وسعت گیلیخان بیشتر از تخمین قبلی ما بوده است. در شکل ۳ با معلومات جدید، محل و وسعت تقریبی گیلیخان بین شهرهای تبریز و صوفیان و نیز روستاهای منطقه مشخص گردیده است.



شکل ۳: مکان و وسعت تقریبی گیلیخان (Gilixan)

۳) نام، موقعیت جغرافیایی ممتاز و دلایل ایجاد کننده مساحت وسیع گیلیخان

احتمال کمی وجود دارد، نام گیلیخان برای این اراضی بعدا حادث شده باشد. یعنی، محل مورد بحث اول نام دیگری داشته، ولی بعدها فردی بنام گیلیخان مالک اراضی شهر ویران شده و در نتیجه این مکان بنامش مشهور گشته است. با وجود این احتمال، چون مردم بومی از آنجا با اسم شهر گیلیخان یاد میکنند، ما هم از آنجا با همین نام یاد کرده، آنرا به حقیقت نزدیکتر میدانیم. هر چند، محل باستانی بغیر از گیلیخان ممکن است در طول تاریخ نام یا نامهای دیگری هم داشته باشد.

در مورد موقعیت جغرافیایی ممتاز گیلیخان، ذکر چند نکته واجد اهمیت است. گیلیخان، در نزدیکیهای دریاچه اورمیه جای داشته، رودخانه سینق چایی از آن میگذشته است. در مسیر یکی از شعبات جاده تاریخی ابریشم و سر راه تبریز به مرنده، گونئی، خوی و سلماس قرار داشته است و از حدود محل فعلی روستای ساغالان تا نزدیکی های صوفیان و نادارلی اراضیش میباشد. گیلیخان در دشت شهر تبریز واقع بوده، یک منزل راه (حدود ۳ فرسخ) تا آن شهر تاریخی فاصله داشته است. همچنین، گیلیخان را از نظر تقسیم بندیهای جغرافیایی مرسوم در کتابهای تاریخی و اسناد قدیمی، بایستی در ناحیه ارونق (اوست گونئی) یا سردصحرا (صحرای تبریز) جستجو نمود.

اما، مساحت غیرعادی وسیع گیلیخان را چگونه میتوان تحلیل نمود؟! مساحتی که، در گذشته ها برای شهر یا روستاهای لاقل این منطقه از آذربایجان غیرعادی بزرگ بوده است. روی این موضوع مساحت بسیار اندیشیده ایم و به نظر میرسد، مساحت وسیع محل مورد بحث بر اثر دو دلیل زیر بتواند بوجود بیاید:

الف) بر اثر زلزله مهلکی شهر بزرگ گیلیخان از بین رفته، غیرقابل بازسازی شده و اراضی آن بین روستاها تقسیم گشته باشد و تمامی گیلیخانها اساسا بازمانده گیلیخانی واحد باشند. در این صورت، شهر گیلیخان بایستی قبل از نابودی سالها و قرن‌ها به سمت توسعه و شکوفایی رفته باشد. این میزان رونق و شکوفایی نشان میدهد که گیلیخان احتمالا مورد توجه حکمرانها و از شهرهای مهم امپراطوری یا امپراطوریه‌ها بوده است. مثلا امپراطوری اشکانی، همانگونه که در قسمت آخر برای آن دلایلی اقامه خواهد شد.

ب) قسمت‌های مختلف گیلیخان مربوط به برهه‌های تاریخی متفاوت باستانی باشند. مشابه تپه‌های باستانی چند لایه که لایه‌ها هر کدام مربوط به مقاطع تاریخی متفاوت هستند، در گیلیخان قسمت‌های مختلف مربوط به مقاطع متفاوت باشند. گیلیخان در اینصورت بایستی، مدتها در برهه‌های متفاوت تاریخی سر پا ایستاده باشد. به هر حال، مطالعات باستان شناسی تپه‌ها بصورت عمودی انجام میگردد، ولی مطالعات گیلیخان بایستی بصورت افقی انجام گردد و برهه‌ها در صورت وجود تعیین گردد.

۴) وجه تسمیه و معناشناسی کلمه گیلیخان

در مقاله اولیا چلبی و روستای سهلان که در قسمت‌های بالا به آن اشاراتی شده، در مورد وجه تسمیه گیلیخان (گیلی+خان) بدون اطلاع از کلمه گیلیوان اطلاق به آنجا نظر داده شده است. با استناد به ذکر گیلی بعنوان یکی از طوایف ترک در لغتنامه برهان قاطع خلف تبریزی و ایزگیل (ایز+گیل) بعنوان یکی از اقوام اوغوز (ترک) در کتاب تاریخ اوغوز فاروق سومر و همچنین وجود روستاهایی مانند گیلده/گیله دی رود و گیلده/گیله دی کوه (هشترود)، گیلزیه (اهر)، گیلده هین (بستان آباد)، گیلدیر (هریس)، گیلارلو (گرمی) و غیره در نقاط ترک نشین ایران، گیلیخان خان طایفه/قوم ترک گیلی معناشناسی شده است. در مورد قسمت اول اسم ذکر گردیده است که گیل ریشه آن بوده، پسوند منسوبیت لی به آن علاوه گشته گیلی شده است و گیلی تسهیل شده گیللی میباشد. در اینجا به اتیمولوژی این توپونیم مورد بحث بیشتر پرداخته، کلمه گیلیوان اطلاق روستای نادارلی هم ضروتا در وجه تسمیه و معناشناسی نام آن محل در نظر گرفته شده است.

در سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ شمسی، ارتش پهلوی کتابی با عنوان فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادیه‌ها) که یک مجموعه ۱۰ جلدی منتج از سرشماری آن زمان بوده را منتشر نموده است. جلد یازدهم نیز بعداً منتشر شده که حاوی فهرست آبادیه‌های ایران میباشد. همانطوریکه در شکل ۴ مشاهده میگردد، در جلد فهرست و صفحه ۴۲۴ آن نام مکانهایی که با گیل آغاز شده اند درج گشته، که تعداد آنها ۳۶ میباشد و نشان میدهد گیل یک توپونوم بومی برای این کشور میباشد. لازم است ذکر شود که این توپونیمهای مشابه میتوانند مربوط به طایفه/قوم ترک گیلی/گیل مذکور بالا باشند یا در محیط فرهنگی ترکان تولید گردند. نام گیلیخان در فهرست آبادیه‌ها وجود ندارد، اما دو مورد آخر آغاز شده با گیلی، گیلی اراک و گیلی کران سنج میباشند که قسمت اول آنها با گیلیخان یکی است. همچنین، گیل و گیلوان (شبهه گیلیوان) نام روستاهایی در استان ترک نشین زنجان هستند.

گجول

۴۴۴

گجول

آمل	۳۵-۵۷۵۵۲-۱۲	گجول	۲۰۲۳
لاهیجان	۳۷-۰۵۵۵۰-۲۳	گجولکجان	۲۰۲۴
بروجرد	۳۳-۰۴۵۴۹-۱۲	گجول	۲۰۲۵
>	۳۳-۱۲۵۴۹-۴۳	>	۲۰۲۶
منطقه‌ای است در جنوب باختری درویش‌آباد		>	۲۰۲۷
طوالش	۳۷-۲۶۵۴۹-۰۱	گجول‌ده	۲۰۲۸
آمل	۳۶-۲۶۵۵۲-۱۷	>	۲۰۲۹
شاه‌آباد	۳۴-۰۷۵۴۵-۵۵	گجول‌غرب	۲۰۳۰
اهواز	۳۲-۱۱۵۵۰-۱۳	گجول‌مال‌ویران	۲۰۳۱
کرمانشاه	۳۴-۳۶۵۴۷-۲۳	گجولانه	۲۰۳۲
خرم‌آباد	۳۲-۲۶۵۴۸-۲۹	گجول‌وند	۲۰۳۳
رشت	۳۷-۱۳۵۴۹-۴۴	گجول‌دندان	۲۰۳۴
لاهیجان	۳۶-۴۵۵۵۰-۱۵	گجولابه	۲۰۳۵
رشت	۳۷-۱۲۵۴۹-۴۲	گجول‌بردر	۲۰۳۶
طوالش	۳۷-۳۱۵۴۹-۰۸	گجول‌چالان	۲۰۳۷
ازدهستان‌های شهرستان شاه‌		گجول‌خاران	۲۰۳۸
ازدهستان‌های شهرستان طوالش		گجول‌دولاب	۲۰۳۹
لاهیجان	۳۷-۲۲۵۵۰-۰۴	گجولده	۲۰۴۰
فیروزآباد	۲۸-۵۳۵۵۲-۳۵	گجولک	۲۰۴۱
نوشهر	۳۶-۱۹۵۵۱-۳۷	گجول‌کلا	۲۰۴۲
>	۳۶-۳۹۵۵۱-۲۴	>	۲۰۴۳
لاهیجان	۳۷-۰۴۵۵۰-۲۴	گجول‌کلابه	۲۰۴۴
سندج	۳۵-۲۷۵۴۷-۴۴	گجول‌کلو	۲۰۴۵
شسوار	۳۶-۴۷۵۵۰-۵۶	گجول‌معله	۲۰۴۶
لاهیجان	۳۷-۰۰۵۵۰-۲۷	گجول‌مک	۲۰۴۷
رشت	۳۷-۱۷۵۴۹-۵۰	گجولوا	۲۰۴۸
زنجان	۳۶-۴۷۵۴۹-۰۸	گجولوان	۲۰۴۹
چیرفت	۲۹-۱۱۵۵۷-۴۱	گجول‌وند	۲۰۵۰
بابل	۳۶-۳۳۵۵۲-۳۵	گجول‌کلا	۲۰۵۱
اراک	۳۳-۵۵۵۴۹-۵۳	گجولی	۲۰۵۲
سندج	۳۵-۴۳۵۴۶-۲۴	گجولی‌کران	۲۰۵۳
بیرجند	۳۰-۱۵۵۵۰-۴۲	گجین	۲۰۵۴
سراوان	۲۶-۵۲۵۶۳-۰۱	گجینان	۲۰۵۵
بیرجند	۳۶-۳۶۵۵۹-۰۴	گجینگ	۲۰۵۶
کرمان	۳۰-۲۸۵۵۷-۱۷	گجسکان	۲۰۵۷
گنبدقاپوس	۳۷-۲۱۵۵۵-۲۷	گجسکلیک	۲۰۵۸
بیرجند	۳۲-۱۷۵۵۹-۴۰	گجینه‌که	۲۰۵۹
قم	۳۴-۳۳۵۵۰-۱۵	گجیو	۲۰۶۰
بیرجند	۳۲-۳۴۵۵۹-۱۴	>	۲۰۶۱
مدان	۳۵-۱۶۵۴۹-۰۳	گجودوه	۲۰۶۲
شاهرود	۳۶-۰۱۵۵۵۵۸	گجور	۲۰۶۳
بیرجند	۳۲-۴۰۵۵۹-۰۹	گجوشاد	۲۰۶۴
>	۳۲-۴۷۵۵۹-۰۸	گجوک (بالا و پایین)	۲۰۶۵
نهادند	۳۴-۱۶۵۴۸-۰۵	گجوکمی	۲۰۶۶
چیرفت	۲۸-۵۰۵۵۸-۰۷	گجومرد	۲۰۶۷
>	۲۹-۱۱۵۵۷-۱۳	گجونشک	۲۰۶۸

مشهد	۳۶-۴۸۵۵۹-۰۷	گجولان	۱۹۷۷
کرمان	۳۱-۲۰۵۵۶-۱۴	گجولکان	۱۹۷۸
سیرجان	۲۸-۳۷۵۵۶-۳۴	گجوبیه	۱۹۷۹
مشهد	۳۶-۳۵۵۵۹-۲۴	گجوان	۱۹۸۰
چیرفت	۲۹-۰۶۵۵۷-۱۳	گجوبیه	۱۹۸۱
زاهدان	۲۸-۰۳۵۵۶-۳۵	گج	۱۹۸۲
خرمشهر	۳۰-۳۹۵۴۸-۳۶	گجاری	۱۹۸۳
زاهدان	۲۸-۰۲۵۵۶-۳۸	گجیت	۱۹۸۴
اهر	۳۸-۱۹۵۴۶-۵۸	گجندق	۱۹۸۵
بیرجند	۳۲-۲۲۵۵۹-۲۱	گجسک	۱۹۸۶
سیرجان	۲۹-۳۱۵۵۷-۰۳	گجش	۱۹۸۷
قزوین	۳۶-۲۳۵۵۰-۲۴	گجیر	۱۹۸۸
ایران‌شهر	۲۶-۳۸۵۵۹-۰۲	گجیران	۱۹۸۹
چاب‌بهار	۲۵-۲۴۵۵۶-۰۷	گجربالا	۱۹۹۰
سراوان	۲۶-۱۵۵۶۳-۰۰	گجروانی	۱۹۹۱
لاهیجان	۳۶-۰۵۵۵۰-۲۳	گجری	۱۹۹۲
سفر	۳۵-۵۴۵۵۵-۵۸	گجیرله	۱۹۹۳
خسا	۲۸-۲۸۵۵۵-۱۴	گجس	۱۹۹۴
بندرعباس	۲۸-۲۴۵۵۵-۳۱	>	۱۹۹۵
رشت	۳۷-۱۳۵۴۹-۴۲	گیلوان‌دندان	۱۹۹۶
کرمان	۳۰-۵۲۵۵۶-۳۹	گجیک	۱۹۹۷
ازدهستان‌های شهرستان سیرجان		گجسکان	۱۹۹۸
ازدهستان‌های شهرستان بوشهر		>	۱۹۹۹
لاهیجان	۳۶-۰۵۴۹۰-۵۷	گجسل	۲۰۰۰
گنا‌باد	۳۴-۲۱۵۵۹-۰۵	گجسور	۲۰۰۱
بیرجند	۳۴-۳۶۵۵۹-۰۰	>	۲۰۰۲
چیرفت	۲۸-۱۰۵۵۷-۰۸	گجش‌آب	۲۰۰۳
بندرعباس	۲۷-۴۱۵۵۶-۱۵	گجشا	۲۰۰۴
لاهیجان	۳۷-۰۸۵۵۰-۱۸	گجشاکجان	۲۰۰۵
بندرعباس	۲۷-۴۵۵۵۶-۱۳	گجشان	۲۰۰۶
چاب‌بهار	۲۶-۱۹۵۵۶-۲۱	گجشک	۲۰۰۷
چیرفت	۲۸-۵۴۵۵۷-۴۴	>	۲۰۰۸
طوالش	۳۷-۲۵۵۴۹-۰۳	گجشم	۲۰۰۹
لار	۲۷-۲۲۵۵۵-۳۹	گجشو	۲۰۱۰
>	۲۷-۱۹۵۵۵-۲۳	گجشی	۲۰۱۱
سراوان	۲۶-۵۵۵۶۲-۵۳	>	۲۰۱۲
کرمان	۳۰-۲۷۵۵۷-۱۳	گجش	۲۰۱۳
بیرجند	۳۱-۱۸۵۵۹-۵۸	گجش‌چاه	۲۰۱۴
بجنورد	۳۷-۵۴۵۵۷-۳۰	گجفان	۲۰۱۵
بندرعباس	۲۵-۵۱۵۵۷-۲۵	گجکن	۲۰۱۶
فومن	۳۷-۱۴۵۴۹-۲۵	گجکات	۲۰۱۷
زنجان	۳۵-۵۷۵۴۸-۳۸	گجک	۲۰۱۸
نهادند	۳۴-۱۲۵۴۸-۱۴	گجک‌آباد	۲۰۱۹
ساری	۳۶-۴۱۵۵۳-۱۶	>	۲۰۲۰
آمل	۳۶-۳۴۵۵۲-۱۵	گجکلی	۲۰۲۱
لاهیجان	۳۶-۴۳۵۵۰-۰۶	گجک‌کوش	۲۰۲۲

شکل ۴: نام مکانهای آغاز گشته با گیل، فهرست آبادیه‌های ایران در کتاب ارتش

علاوه بر کتاب ارتش، جهت بررسی بیشتر توپونیم‌های با آغاز گیلی/گیل به سایت جهانی نامهای جغرافیایی نیز مراجعه شده است. آنجا در کشور ایران ۷ مورد در رده شهر- روستاها آغاز گشته با گیلی (Gili) ذکر

شده اند. جالبترین اینها برای ما، گیلی یاد شده اراک میباشد که نام دیگر آن در سایت جهانی نامها گیلی (Gilli) قید شده است و به نظر میرسد نام اصلی این روستا بوده و گیلی تسهیل شده آن است. این امر میرساند که در گیلیخان هم میتواند همین اتفاق تسهیل سازی رخ داده باشد. آبادی گیلی، در جلد دوم و صفحه ۲۶۷ کتاب جغرافیایی ارتش فارس زبان قید گشته که احتمالا بعدا فارسیزه شده است. در سایت جهانی مزبور، ۳۱ مورد آغازشان گیل (Gil) میباشد که از آنها ۵ مورد گیلوان هستند که ۴ مورد، هر کدام ۲ مورد، مربوط به استانهای ترک اردبیل و زنجان میباشد. یکی هم در استان کرمانشاه است که ترکها در آنجا هم زندگی میکنند.

گیلیخان و گیلیوان، دو نام اطلاقی به مکان مورد بحث تنها در واج خ و و اختلاف دارند و با توجه به باستانی بودن مکان، طبیعتا هر چه قدر این حروف و واجها در زبانهای قدیمتر بررسی گردند، به ثواب نزدیکتر خواهند بود. جهت بررسی اینموارد و بررسی حرفها، به کتاب سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی تالیف دکتر جواد هیئت مراجعه شده است. در کتاب مذکور، مراحل مختلف زبان ترکی در بخش دوم ذکر گردیده اند و در قسمت اول آن بخش و صفحه ۳۳ تا ۵۲ کتاب به قدیمترین شیوه شناخته شده ترکی، یعنی زبان ترکی قدیم (اسکی تورکجه)، پرداخته شده است. ترکی قدیم مربوط به دوران پیش از اسلام آوردن ترکان بوده، در آن مخرجهای ه، خ، و، ژ و ج وجود نداشته است. بدین ترتیب با توجه به نبود هر دو حرف خ و و در ترکی قدیم، میتوان نتیجه گرفت، حرف خ درگیلیخان و حرف و در گیلیوان هر دو واج میباشد که بعدا در لهجه ها پدیدار گشته اند و حرفی که، تبدیل هر دوی اینها از آن در لهجه های ترکی مردمان منطقه کیلیخان مشاهده میگردد، مطابق رویه گفته شده پاراگراف بعد، حرف ق (یا غ) میباشد. یعنی، ریشه نامهای گیلیخان و گیلیوان، گیلی قان (گیلیغان) است.

تلفظ حرف ق با واج خ، مثلا گفتن کلمات قالقان، قاباق و قوراقلیق بترتیب بصورتیهای قالخان، قاباخ و قوراخلیخ، یک روال عادی در لهجه های مردمان بومی منطقه است. بنابراین میتوان گفت، در طول زمان از گیلی قان، صورتهای گیلی خان، گیلیخان و گیلیغان (موقع ترکیب دو قسمت، ق به سبب قرار یافتن بین دو حرف صدادار به غ تبدیل شده) در لهجه ها پدیدار گشته، توسط مردمان استفاده شده اند. از سوی دیگر، هماتوریکه در مقاله ساغالان در اسناد تاریخی سه قرن گذشته در مورد ساوالان اطلاق کردند به روستای ساغالان آمده، تلفظ حرف غ با واج و نیز در لهجه های مردمان این منطقه مشاهده میشود. یعنی همانگونه که از ساغالان ساوالان ایجاد گشته، از گیلیغان هم گیلیوان تولید شده است. در ادامه این مبحث، به معنانشناسی قسمت دوم کلمه مورد بحث (خان/قان) میپردازیم.

خان، در دیوان لغات الترک کاشغری و صفحه ۵۰۶ آن به معنی بزرگترین شاه و فرمانروا در بین ترکان آمده که طبق تقسیم بندی هیئت آن کتاب مربوط به ترکی میانه است. جملات زیر هم در تشریح کلمه خان از

سایت مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی میباشند: "نویسندگان دوره اسلامی واژه خان را جایگزین قان کرده‌اند. طبری در شرح وقایع سال ۱۴۷ ق، از فردی به نام استرخان خوارزمی نام برده است (۸ / ۷) و ابن ندیم (سده ۴ ق / ۱۰ م) نیز واژه خان را عنوان پادشاهان ترک دانسته‌است (ص ۴۰۰). "توصیف دایره المعارف بزرگ اسلامی میرساند، صورت اولیه خان، قان بوده است.

کلمه یا پسوند قان و متشابهات آن مانند گان و جان، در انتهای جاینامهای آذربایجان و مناطق ترک نشین ایران زیاد مشاهده میشوند، مانند ممقان، ورزقان، زنگان و اسم خود آذربایجان. در مورد معنای قان بین ترکی پژوهان دو نظر مورد توجه ما بوده است: الف) میرعلی سیداوف، اسطوره شناس و اتیمولوژیست، در صفحات ۲۸ و ۲۹ کتاب آذربایجان خالقی نین سوی کوکونو دوشونرکن، در اتیمولوژی کلمه آذربایجان آنرا به چهار قسمت آذ (آز)، ار، بای و قان (جان) تقسیم کرده، قسمت آخر را پدر، خان، خاقان و حاکم معنی نموده، کلمه آذربایجان را بطور خلاصه پدر یا حاکم انسان توانای آز معناشناسی نموده است. ب) اسماعیل هادی در لغتنامه جامع اتیمولوژیک ترکی- فارسی دیل دنیز، موقع تشریح لغت آز در صفحات ۶۳ و ۶۴ به اتیمولوژی کلمه آذربایجان (آذربایجان) پرداخته، جان را پسوند ذکر کرده و بصورت‌های قان/ گان آنهم اشاره ای کرده است و آذربایجان را محل زیست آس ها، موطن مردم شریف آس و زیستگاه قوم آز معنی نموده است. گونه دیگری از این نظر را در لغتنامه چند زبانه آداسوزلوک که توسط دکتر حسن بی هادی، اتیمولوژیست و زبان شناس، مدیریت میشود، مشاهده میکنیم. دکتر بی هادی در مورد معنی قان در ترکی به زبان ترکی شرحی نوشته که فارسی آن چنین است: "قان: در اسم مکانها این پسوند شکل دیگر کن است و روستا، اقامتگاه و به معنی محل اسکان میباشد." قابل ذکر است لغت کن، در دیوان لغات الترك و صفحه ۲۲۰ آن بعنوان مخفف کند (به معنی شهر و آبادی) ذکر شده است و اشاره بی هادی به نظر کن لغات الترك بوده است.

در نتیجه با توجه به نظرات ترکی پژوهان در مورد قان، میشود گیلی قان را، مانند میرعلی سیداوف، خان قوم/طایفه ترک گیلی (گیل لی) معنی کرد یا میتوان قان را، مانند اسماعیل هادی یا حسن بی هادی، پسوند توپونیم ساز یا شکل دیگر کن دانسته، محل زیست و اقامتگاه گیلی ها معناشناسی نمود.

نکته: گیلیوان گفتن اهالی نادارلی به محل مورد بحث جالب توجه است. چون، در حال حاضر لهجه متداول اهالی نادارلی گویشی خالص میباشد که دگرگونی حروف در آن رایج نیست. یعنی اهالی فعلی آن روستا گیلیغان را به شکل گیلیوان تلفظ نمینمایند! این امر میرساند، اهالی آن روستا از اول واژه گیلیوان (مبدل گیلیغان) را بدین شکل شنیده و نسل به نسل منتقل کرده اند و یا دگرگونی حروف مانند تبدیل حرف غ به و در لهجه آنها متداول بوده و بعدا از بین رفته یا اندک گشته است.

۵) مشاهدات میدانی و مطالعات جدید از محوطه گیلیخان

همانطوریکه در قسمت دوم اشاره شد، پس از چاپ مقاله ساغالان (بازخوانی یک اثر تاریخی) اطلاع حاصل گردید، در نادارلی صحرایی با نام گیلیوان (گیلوان) با اسم مشابه گیلیخان و چسبیده به آن وجود دارد که اهالی آنجا نیز از شهر بودن و اشیای یافته شده قدیمی از آن محل معلومات میدهند. با این قراین، گیلیوان نادارلی هم بایستی جزو گیلیخان بزرگ بوده باشد. در مبحث کارهای گذشته گفته گشت که قبلا گیلیخانهای ساغالان و آلوار سفلی مشاهده میدانی شده اند. این بار تصمیم گرفتیم، روزی هم از گیلیخانهای سه روستای میان سفلی، نادارلی و میان علیا بترتیب مشاهدات میدانی داشته باشیم. جهت انجام اینکار، به دلیل ناآشنایی با صحرای سه روستای نامبرده، از فعالین فرهنگی آن روستاها که در فضای مجازی با هم ارتباط چند ساله داشتیم، جهت مشاهدات جدید یاری گرفتیم: آقای محمد رضایی (فعال فرهنگی میان سفلی و اهل آنجا)، مهندس موسی نورمحمدی نظریان (فعال فرهنگی نادارلی و اهل آنجا) و آقای رضا محمدی (فعال فرهنگی میان علیا و اهل آنجا).

مورخه ۱۴۰۱/۵/۶ حدود ساعت ۱۰ صبح، پس از رسیدن به میان سفلی و پارک خودروهایمان در آن روستا، با مهندس نورمحمدی سوار خودروی آقای محمد رضایی شدیم و با معلومات دهی و رانندگی رضایی جهت مشاهده گیلیخان میان سفلی از آن روستا به سمت صحرای مزبور روانه شدیم. گیلیخان میان سفلی، همانطوریکه در شکل ۵ پوشش گیاهی فقیر آن دیده میشود، به شوره زار وسیعی تبدیل گشته است و به همین دلیل در لهجه بومی ترکی میان به آن مکان شورا گل هم میگویند. رضایی در مورد این صحرای مورد مطالعه، جمله قابل تاملی که از افراد مسن روستایشان شنیده بود را برای ما بازگو میکرد: "اگر در شورا گل زمین را حفر کنید، از آن وسایل قدیمی پیدا میشوند!" رضایی میگفت، در صورت کاوش، اشیایی را حتی در سطح زمین هم میتوان یافت و برای این منظور، با توقف ماشین و رفتن به نقاطی تلاش میکرد، برای اثبات گفته خویش مدارکی را در سطح نشان ما بدهد. ولی، در جستجوی کمی که باهم داشتیم، چیز قابل ارائه در اینجا دستگیرمان نشد.



شکل ۵: پوشش گیاهی گیلیخان میان سفلی، افراد از چپ: محمد رضایی، قدرت ابوالحسنی و موسی نورمحمدی

در حین جستجوها، به ذهن نورمحمدی خطور کرد که بهتر است دنبال خرابه های احتمالی گیلیخان باشیم و پس از این پیشنهاد، در شوره زار گیلیخان به چند جا سر زده، به سراغ بقایایی که احتمال میدادیم ممکن است، مثل تصویر شکل ۶ بازمانده ای از خرابه های آن شهر باستانی باشند، رفتیم و تصاویر تهیه نمودیم. لازم به ذکر است، بعدا موقع مرور یادداشتهایم در مورد گیلیخان، در یادداشتها جمله تایید کننده وجود خرابه ها را که از رضایی در مورد آثار باقیمانده گیلیخان نوشته بودم را دیدم. رضایی از نسلهای قبل شنیده بود که خرابه های گیلیخان میان سفلی توسط اهالی آن روستا دیده شده است.



شکل ۶: بازمانده ای احتمالی از خرابه های گیلیخان

در گیلیخان مایان سفلی، دو چیز بیشتر از همه جلب توجه مینمودند. یکی، زهکشی های انجام یافته در آن محوطه باستانی بود که به گفته رضایی از زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد آغاز گشته بودند و معلوم هم نبود، هدف اصلی زهکشان زهکشی بوده یا غارت میراث مادی و معنوی گیلیخان!! به هر تقدیر، در شکل ۷ نمونه ای از زهکشیهای انجام یافته در محوطه باستانی گیلیخان نشان داده شده است.



شکل ۷: نمونه ای از زهکشیها در محوطه باستانی گیلیخان

موضوع جالب دیگر، مطابق تصویر شکل ۸، مشاهده تابلو شهرک صنعتی جدید بعثت در اراضی شهر باستانی و البته بی صاحب گیلیخان بود! فاز ۴۰۰ هکتاری شهرک صنعتی که شاید تمامی مساحتش در اراضی گیلیخان باستانی باشد، در حال احداث میباشد. ماشینهای سنگین پروژه مذکور در حال عملیات مشاهده میشدند و لودرهایش در حال حفاری و تخریب گیلیخان!!



شکل ۸: تابلو شهرک صنعتی بعثت اراضی در گیلیخان باستانی

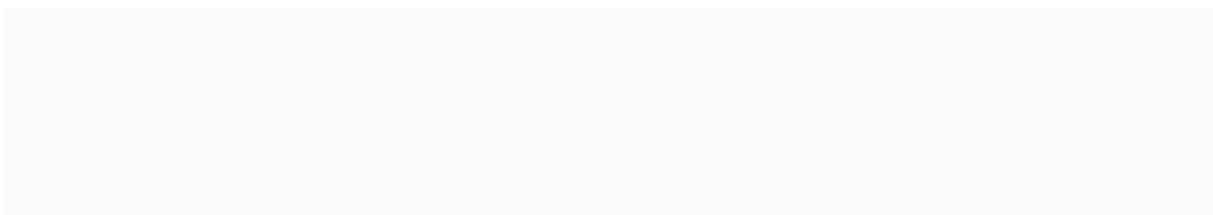
با رانندگی آقای رضایی و اینبار معلومات دادن مهندس نورمحمدی، با گذشتن از گیلیخان میان سفلی به اراضی و گیلیوان نادارلی رسیدیم. گیلیوان، بطور پیوسته با گیلیخان میان سفلی و کم وسعتتر از آن بود. پوشش گیاهی تقریباً مشابهی داشت و تا حدود یک فرسخی نادارلی امتداد مییافت که در آن مکان توقفی نموده، آخرهای گیلیخان را مشاهده کردیم. درگیلیوان، مسیر رودخانه سینق چایی هم دیده میشد. نورمحمدی در مورد صحرای گیلیوان اذعان میدارد که افراد مسن نادارلی موقع چراندن گوسفندانشان در گیلیوان، گورها دیده اند و همچنین خانه های واقع در گودیها و ویران گشته را مشاهده نموده اند. او میگوید، رفتن به سراغ گورهای مذکور توسط افرادی کنترل میگردد!

در هر حال بعد از اتمام مشاهداتمان، مسیر رفته را رضایی برگرداند. ساعت حدود ۱۳ بود که به میان سفلی رسیدیم و آنجا آبگوشت لذیذ محلی مهمان آقای رضایی شدیم. متعاقب ناهار، سه نفر از هم جدا شدیم و من به سمت میان علیا راندم. چون حدود ساعت ۱۶ میان علیا قرار داشتم، بین دو میان که فاصله کمی هم باهم دارند، سایه ای پیدا کرده و استراحتی نمودم.

ساعت حدود ۱۶ به میان علیا رسیده، با آقای رضا محمدی تماس گرفتم و در روستایشان بودنم را به او اطلاع دادم. در آن هنگام محمدی با ماشینش در حال برگشت از سر کار به روستایشان بود. حدود ساعت ۱۶/۵، سوار ماشین محمدی شده، با معلومات دهی او در مسیر گونئی یولو به طرف گیلیخان آنها رفتیم. پس از مدتی رانندگی در یک مسیر خاکی، به حوالی پیر آن روستا رسیدیم و وارد اراضی گیلیخان آنجا شدیم.

قرارمان شد، اول تا آخر گیلیخان آرام آرام برویم و موقع برگشت توقف نموده از چیزهای جالب توجه عکس بگیریم. محمدی، در زمینهای گیلیخانسان در یک مسیر نامساعد و پر از دست انداز ماشین رانده، تا مرز میان سفلی و گیلیخان آن روستا رفتیم. دقایقی در مرز دو روستا توقف نمودیم، بعد مسیر رفته را برگشتیم. زهکشیها، در گیلیخان میان علیا نیز مانند میان سفلی مشاهده میشدند! علاوه بر آن، در باره این گیلیخان دو چیز مهم جلب توجه مینمودند. یکی، چشمه ای که تا سالهای اخیر در گیلیخان میجوشیده و آبش قابل شرب برای حیوانات بوده است و آقای محمدی مسیر عوض کرد و مرا به مشاهده آنجا نیز برد و من از آن مکان تصاویر مختلف تهیه کردم. دیگری، پیر مرمت شده در حال استفاده ای است که در نزدیکی گیلیخان قرار دارد و موقع برگشت، دقایقی را کنار ساختمان پیر بوده از آنجا هم تصاویر متعددی آماده نمودم. نهایتا نیز، حدود ساعت ۱۸ از پیر به طرف میان علیا برگشتیم. دوست میانی مرا تا جاییکه خودروی خود را پارک کرده بودم آورد، بعد از هم خداحافظی نمودیم. متأسفانه، عکسهای حاضر کرده از پیر و چشمه به دلیل خرابی موبایل و نداشتن پشتیبان از دست رفتند! فقط، عکس شماره ۱۱ را محمدی در کنار پیر سفلی انداخته بود که به نگارنده ارسال نموده است و ناگزیر در مقاله از آن استفاده شده است.

در خاتمه این قسمت، پیام یکی از اهالی میان علیا در مورد گیلیخان، دریافت شده از طریق آقای محمد رضایی را با اندک تغییراتی درج مینماییم که به پیر و شاید هم چشمه خشک مشاهده شده ما اشاراتی دارد و به نوعی بر نتایج این تحقیق صحه میگذارد: "سلام در مورد گیلیخان که نوشته بودید هرکس چیزی میداند بگوید. من رفتم پیش مادر بزرگم که ۹۰ و چند سال دارد و در این مورد از او سؤال کردم. اولین چیزی که گفت این بود که در گیلیخان بین الوار و میان علیا یک چشمه آب وجود داشت که آبش هم بسیار شیرین بود، حتی شیرین تر از آبی که ما الان استفاده میکنیم! دومین چیزی که گفت وجود یک دره عمیق در گیلیخان بود که در آن هم آب وجود داشت و میگفتند آب شیرین هست. (اولین چیزی که اثبات وجود زندگی در آن منطقه هست وجود آب شیرین است) من در مورد سکونتی بودن گیلیخان سؤال کردم. گفت که منم از پدرم و پدر بزرگم شنیدم که آنجا یک روستای سر سبز بوده، اما به طور کلی نابود شده و از بین رفته است. دلیل نابودی آن هم خیلی چیزها میگفتند، از زلزله گرفته تا جنگ! اما گفتند که آنجا صد در صد منطقه سکونتی بوده است. هم به این دلیل که امامزاده (پیر) هم در نزدیکی گیلیخان وجود دارد و هم وجود چشمه های آب شیرین که میتواند مدرک مهمی برای اثبات روستا یا شهر بودن آن منطقه باشد."



۶) بررسی پیرهای منطقه گیلیخان و پیرهای احتمالی خود آنجا

پیرها، مکانهایی بوده اند که از گذشته های دور برای مردم مورد احترام خاص بوده اند و مردم آن مکانها را به سادگی رها نکرده، به آنها نذر و نیاز گفته، ارتباط خویش را با آنها نمیگسستند. همانطوریکه در ادامه این بحث خواهیم دید، پیرهای منطقه گیلیخان سر مسیرها و نزدیک روستاهایشان قرار گرفته اند و بنظر میرسد، نشاندهنده مکان روستا برای کاروانها و شاید هم محل نگهداری آتش برای اهالی روستای مربوطه بوده اند. بلکه، سایر پیرهای سرزمین آذربایجان نیز ابتدائاً نقش مشابهی داشته اند! در هر حال، ما جهت پی بردن به معانی پیر در زبان ترکی به لغتنامه ترکی-فارسی شاهمرسی مراجعه نموده ایم و معانی پیر بصورت زیر ارائه شده است: پیر، سالخورده، مقبره مقدسین، زیارتگاه، صاحب طریقت، مرشد، رهبر و پیر طریقت در اصطلاح اهل تصوف. دو معنی رهبر و پیر طریقت مذکور، بطور مجازی میتوانند از راهنمایان فیزیکی راهها که همان پیران نشاندهنده مکانها باشند، گرفته شده باشند. در ادامه این مبحث، وضعیت فعلی پیرهای روستاهای منطقه گیلیخان تشریح شده، در صورت نزدیکی به گیلیخان احتمال پیر آنجا بودن آنها نیز بررسی گشته است.

ساغالان، یک پیر ساختمان دار مورد رجوع بنام پیرموسی دارد که در سالهای اخیر جهت تغییر هویت دادنش آنجا را در تابلوها به میرموسی تغییرنام داده اند!! پیرموسی در سمت پایین خط آهن تبریز-جلفا و در فاصله حدود دو و نیم کیلومتری جاده تبریز-صوفیان میباشد که جاده مذکور روی یک مسیر قدیمی احداث گشته است. پیرموسی که تصاویر قدیم و جدیدی از آن بترتیب در اشکال ۹ و ۱۰ نشان داده شده اند، قبلاً خارج ساغالان بود، ولی الان با توسعه روستا در کناره آن قرار گرفته است. همچنین، تخریب تپه باستانی توسط توسعه ساختمان پیرموسی و بنای شورای اسلامی روستا در تصویر جدید مشخص میباشد! تپه پیرموسی، همانطوریکه در فایل آثار ملی ایران درج شده، مربوط به دوران پیش از تاریخ و اشکانیان بوده، سال ۱۳۴۷ در فهرست آثار ملی کشور نیز به ثبت رسیده است. پیرموسی، در فاصله ۲-۳ کیلومتری گیلیخان قرار دارد و احتمال می‌رود، این پیر قدیمی مورد توجه مردم در گذشته یکی از پیرهای گیلیخان برای مسیر قدیمی تبریز-صوفیان نیز بوده باشد. با توجه به زمان اشکانیان متعلق بودن پیرموسی و قراین دیگر، احتمال داده میشود در دوره پارتها گیلیخان هم یک شهر پویا بوده باشد.



شکل ۹: پیرموسی، پیر احتمالی گیلیخان، از کنار خط راه آهن، فروردین ماه سال ۱۳۷۳



شکل ۱۰: پیرموسی، پیر احتمالی گیلیخان، از کنار خط راه آهن در سالهای اخیر

آلوار علیا، طبق گفته آقای محمدرضا شوکتی آلوار علیا شاعر شناخته شده آنجا، یک پیر داشته که از بین رفته به زمین کشاورزی تبدیل گشته است. پیر، اندکی با روستا فاصله داشته، سمت بالای خط آهن تبریز- جلفای مذکور فوق قرار داشته است. پیر آلوار علیا، در فاصله حدود دو کیلومتری جاده تبریز-صوفیان که روی یک مسیر قدیمی احداث گشته، بوده است.

آلوار سفلی، طبق گفته آقای فرامرز ابیضی الوار از اهالی مسن آنجا، یک پیر دارد که قبلا حدود یک کیلومتر از روستا فاصله داشته، ولی الان بدلیل توسعه روستا چسبیده به آنجاست. پیر تا سالهای اخیر مورد استفاده اهالی روستای مزبور بوده است. پیر آن روستا، با فاصله ای کمتر از صد متر، از مسیر قدیمی و متروک گوئی یولو واقع شده است.

مایان سفلی، طبق گفته آقای محمد رضایی فعال فرهنگی آنجا، سه پیر داشته، اما الان فقط یک پیر باقیمانده است. اولی، در مسیر قره ملیک (تبریز) کنار آجی چای و حدود نیم کیلومتری روستا بوده است که در قدیم از این مسیر به تبریز رفت-آمد میشده است. دومی در مسیر قدیمی و متروک گوئی یولو با فاصله کمی از روستای مذکور قرار داشته است. سومی و تنها پیری که الان هم استفاده میشود در مسیر نوجه ده کنار آجی چای است و در فاصله حدود ۲-۳ کیلومتری مایان سفلی میباشد.

قرل دیزج (قیزیل دیزه)، طبق گفته آقای عزت زمانی از اهالی بازنشته آنجا، یک پیر مورد رجوع دارد که در سمت بالای مسیر قدیمی و متروک گوئی یولو و ۲-۳ کیلومتری آن مسیر است. پیر قرل دیزج در فاصله حدود ۴ کیلومتری آنروستا و حدود ۱۰ کیلومتری نادرلی میباشد.

نادرلی، طبق گفته موسی نورمحمدی فعال فرهنگی آنجا، یک پیر بنام پیرموسی دارد که سمت روستاهای زنگی و زیناب (زینوو) میباشد. به گفته او، پیر نادرلی اوجاق بوده در مسیرجاه ابریشم قرار داشته، کاروانسرا و بازار نیز داشته است.

صوفیان، طبق گفته آقای حیدر عکاسی از اهالی مسن آنجا، پیر ندارد و روستای قره آغاج در نزدیکی و حدود یک فرسخی صوفیان و سمت مرند پیر دارد.

مایان علیا، طبق گفته آقای رضا محمدی فعال فرهنگی آنجا، یک پیر ساختمان دار دارد که در نزدیکی گیلیخان آن روستا و با فاصله اندکی از مسیر قدیمی و متروک گوئی یولو میباشد. ساختمان و موقعیت این پیر، بدلیل اهمیتی که برای مقاله داشته و در قسمت قبلی هم آمده، از نزدیک مشاهده و بررسی شده است. همانطوریکه در فوق توصیف گردیدند، پیرهای منطقه گیلیخان در صورت وجود یا باقیماندن نزدیک روستاهایشان قرار داشته اند، بغیر از پیر مایان علیا که از آن روستا دور بوده، ۸-۹ کیلومتر با آن روستا فاصله دارد. یعنی، این پیر نشان دهنده خود مایان علیا برای کاروانها نمیتواند باشد، بلکه نشان دهنده موقعیت گیلیخان در گوئی یولو است. این پیر به احتمال زیاد یکی از پیرهای گیلیخان بوده، برای مسیر فعال قدیم گوئی یولو استفاده گشته است. در شکل شماره ۱۱، تصویری از کنار پیر مزبور به طرف گیلیخان مشاهده میگردد و درختانی که در نزدیکی مشاهده میشوند، ابتدای گیلیخان مایان علیا هستند.



عکس ۱۱ : کنار پیر احتمالی گیلیخان، افراد از چپ به راست قدرت ابوالحسنی و رضا محمدی

(۷) عدم اشاره به گیلیخان در اسناد تاریخی هشت قرن گذشته

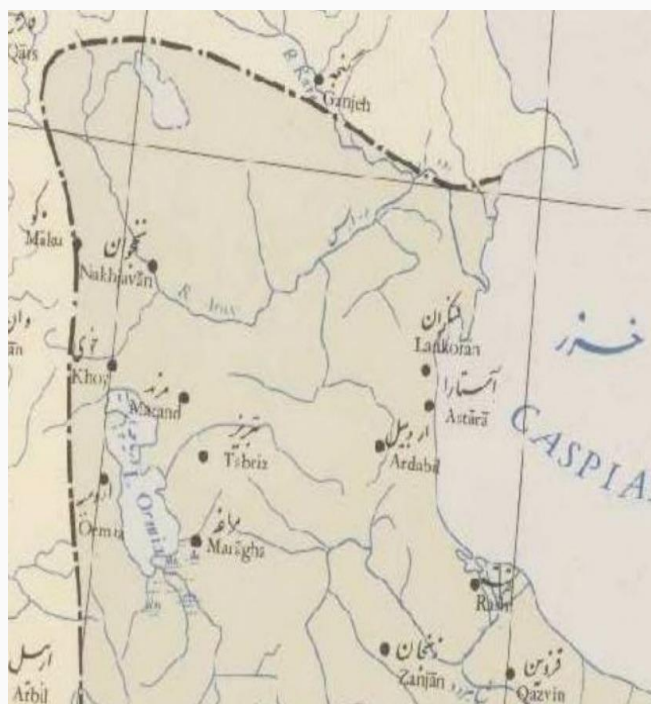
تاکنون در کتب و اسناد تاریخی هشت قرن گذشته، بعد از دوره ایلخانی، به نام گیلیخان برخوردی نشده است، چه بعنوان شهر و چه بعنوان روستا. در این قرون که اسناد تاریخی در مورد منطقه زیاد هستند، اگر گیلیخان روستای کم اهمیتی گشته باشد، احتمال دارد از چشمها دور بماند، اما بعید است در این مکان جغرافیایی ممتاز که در قسمت سوم مقاله به آن پرداخته شده، گیلیخان شهری وجود داشته باشد و چنین از دیدگاهها و اسناد ناپدید گشته باشد. آنهم، در یک منزلی تبریز تاریخی که در قرون یاد شده توجه جهانیان را به خود جلب کرده، پایتخت یا از شهرهای مهم امپراطوریهها بوده است. گیلیخان، همانطوریکه در زیر خواهد آمد، در کتب کهن و اسناد تاریخی مربوط به دورانهای تاریخی پهلوی، قاجار، زندیه، افشار، صفوی، آغ قویونلو، قره قویونلو، تیموری و ایلخانی که تاریخ ابتدا و انتهای دوره های مزبور از ویکی پدیا برداشته شده، و همچنین کتب بعدها نوشته شده راجع به دوران مختلف، جستجوهای ناموفق شده است:

پهلوی (۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ شمسی و ۱۹۲۵ الی ۱۹۷۹ میلادی): سند شکل ۱۴ مربوط به زمان پهلوی اول نشان میدهد، گیلیخان (یا حداقل گیلیخان ساغالان) قبل از تاریخ ۱۳۱۳ شمسی از بین رفته و مزروعی شده است. جدول شکل ۳ نیز نشان میدهد، در سرشماری مربوط به دهه ۱۳۲۰ شمسی و زمان پهلوی دوم، آبادی یا شهری به نام گیلیخان یا نامی مشابه آن در منطقه مورد بحث وجود نداشته است. علاوه بر آنها، نگارنده به کتابهای حاصل از سرشماریهای بعدی پهلوی در کتابخانه سازمان برنامه و بودجه واقع در اول

زعفرانیه تبریز مراجعه نموده است و در سرشماری عمومی سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ نیز، نامی از گیلیخان بعنوان یک روستا یا شهر آذربایجان شرقی مشاهده نکرده است.

قاجار (۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ شمسی و ۱۲۱۰ الی ۱۳۴۴ قمری): در کتاب مرآت بلدان تالیف محمدحسن خان اعتماد السلطنه که در مورد جغرافیا و تاریخ در دوران قاجار نگاشته شده، اسمی از گیلیخان نیست. بعلاوه، جیمز موریه، دیپلمات و نویسنده بریتانیایی، در زمان قاجار به ایران سفر کرده و در سال ۱۸۱۴ میلادی یک روز هم در ساغالان تقریباً چسبیده به گیلیخان مانده، اما به محل مورد بحث اشاره ای نکرده است. نام روستاهای ساغالان، صوفیان و علیشاه (آلیشا) نزدیک گیلیخان در سفرنامه جیمز موریه هستند، ولی از گیلیخان خبری نیست.

زندیه (۱۱۲۹ تا ۱۱۷۴ شمسی و ۱۷۵۱ الی ۱۷۹۴ میلادی): اطلس تاریخی ایران مربوط به دوران زندیه، زیر نظر محمد پورکمال تهیه شده، در سال ۱۹۷۱ میلادی انتشار یافته است. بریده ای از نقشه جغرافیایی مذکور در شکل ۱۲ نشان داده شده، نام شهرهای تبریز و مرند در آن دیده میشود، اما شهر گیلیخان موجود نیست.



شکل ۱۲: تبریز و مرند در نقشه زمان زندیه و عدم وجود کیلیخان در آن

افشار (۱۱۱۴ تا ۱۱۷۴ شمسی و ۱۱۴۸ الی ۱۲۱۰ قمری): در کتاب جهانگشای نادری نوشته میرزامهدی خان استرآبادی، منشی و مورخ نادرشاه افشار، که در مورد زندگی نادرشاه و لشکرکشیهای وی به مناطق مختلف میباشد، میرزا مهدی خان در صفحه ۸۱ کتابش از ساغالان (با نام سهیلان) و روستای خواجه مرجان (خوجا میرجان) بین ساغالان و صوفیان یاد نموده، ولی نامی از گیلیخان نبرده است. علاوه بر آن، نقشه ایران در دوره افشاریه به سال ۱۷۴۷ میلادی (۱۱۲۶ شمسی) توسط امانوئل بوئن جغرافیدان و نقشه‌کش بریتانیایی ترسیم شده است و همانطوریکه در شکل ۱۳ مشاهده میگردد، در این نقشه نام تبریز، مرند و صوفیان دیده میشوند، اما گیلیخان نیست.



شکل ۱۳: تبریز، مرنند و صوفیان در نقشه امانوئل بوئن و عدم وجود کیلیخان در آن

صفوی (۸۸۰ تا ۱۱۱۴ شمسی و ۹۰۷ الی ۱۱۴۸ قمری): در کتاب تاریخ عالم‌آرای عباسی تالیف اسکندر بیگ ترکمان که درباره تاریخ پادشاهان صفوی از زمان شاه اسماعیل اول تا پایان پادشاهی شاه عباس اول است و توسط ایرج افشار تصحیح گشته، نام گیلیخان مشاهده نمی‌شود. همچنین، در مقاله اولیا چلبی و روستای سهلان ذکر گردیده که سیاح عثمانی روستای ساغالان شهرمانند دوره صفوی و زمان حکومت شاه صفی را واقع شده در یک صحرای هموار توصیف نموده است. همانطوریکه در مقاله مزبور دلیل آورده شده، محل ساغالان زمان چلبی در مزرعه ای بنام کندیئری بوده که چسبیده به گیلیخان می‌باشد. طبیعتاً اگر شهر گیلیخان در آن عصر وجود می‌داشت، چلبی به آن اشاره ای مینمود.

آغ قویونلو (۱۴۵۰ تا ۱۵۰۱ میلادی و ۸۵۷ الی ۹۰۷ قمری): در کتاب تاریخ عالم‌آرای امینی تالیف فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی که به شرح حکمرانی سلاطین آغ قویونلو و ظهور صفویان پرداخته و محمد اکبر عشیق آنرا تصحیح نموده، نامی از گیلیخان دیده نمی‌شود. همچنین، در کتاب سفرنامه ونیزیان، مشاهدات سیاحان ونیزی که زمان اوزون حسن آغ قویونلو به این منطقه آمده اند، منعکس شده و کتاب توسط منوچهر امیری به فارسی ترجمه گشته، نام روستای صوفیان در صفحه ۴۰۷ موقع رفتن سیاح از مرنند به تبریز دیده می‌شود، اما به شهر یا روستای گیلیخان نزدیک آن اشاره ای نشده است.

قره قویونلو (۷۸۰ تا ۸۷۴ قمری و ۱۳۷۸ الی ۱۴۶۹ میلادی): کتاب فارسی جواهر الاخبار اثر بوداق منشی قزوینی رویدادهای مختصر عالم و ایران را از ابتدای آفرینش تا زمان مؤلف (سال ۹۸۴ ق) بیان میکند. بخشی از این کتاب که مربوط به تاریخ ایران می‌باشد، توسط محسن بهرام نژاد، در سال ۱۳۷۵ شمسی تحت عنوان «جواهر الاخبار: بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۸۴ق» گردآوری و تصحیح گشته است. در کتاب بوداق ذکری از گیلیخان نشده است.

تیموری (۷۴۹ تا ۸۸۵ شمسی و ۱۳۷۰ الی ۱۵۰۶ میلادی): کتاب پنج رساله تاریخی نوشته شهاب‌الدین عبدالله (یا نورالله) بن لطف‌الله بن عبدالرشید خوافی معروف به حافظ آبرو تاریخ‌نگار و جغرافیدان مشهور عصر تیموری و در باره حوادث دوران امیر تیمور می‌باشد. در این کتاب نام تبریز چند بار آمده ولی از گیلیخان ذکری وجود ندارد.

ایلخانی (۱۲۵۶ تا ۱۳۵۶ میلادی و ۶۵۴ الی ۷۵۶ قمری): وقف نامه ربع رشیدی، توسط رشیدالدین فضل‌الله همدانی وزیر غازان خان ایلخانی در سال ۷۰۹ قمری (۱۳۰۹ میلادی) نوشته شده، در آن به شرح و توضیح املاک و اراضی وقف شده شخصی رشیدالدین و نحوه اداره عواید و قوفات برای شهرک علمی ربع رشیدی تبریز که خود ایجاد کرده بود، پرداخته است. اطلاعات ارزشمند جغرافیایی و تاریخی در مورد تبریز و اطراف آن در وقف نامه مذکور وجود دارند. در وقف نامه ربع رشیدی، از روستاهای مختلف منطقه گیلیخان (ارونق و صحرای تبریز) مانند صوفیان، لاکدزج (لاکه دیزه)، مایان، علی آباد (آلوار) و غیره اسمی برده شده است، اما گیلیخانی موجود نیست. زیرا، رشیدالدین وزیر و مالک آن همه قریه و اراضی در آن ملکی نداشته است! ملک نداشتن رشیدالدین در گیلیخان و هیچ اشاره نکردن به آن فقط در صورتی پذیرفتنی به نظر می‌رسد که شهر گیلیخان قبل از دوره ایلخانی از بین رفته باشد. همچنین، نزهه القلوب کتاب دانشنامه‌گونه حمدالله مستوفی است که مولف آنرا در سال ۷۴۰ قمری نگاشته است. مستوفی هنگام توصیف ناحیه سردرود و صحرا (سرد صحرا)، از سردست، دوش، جولاندرق، الغاندر، کجاباد (کوجووار) و لاکدرج بعنوان معظمات قریه های ناحیه مزبور نام میبرد و موقع توصیف ارونق از سیس، شبستر، وایقان، کوزه‌کنان و صوفیان یاد میکند. اما مستوفی، در هیچ یک از نواحی مزبور نامی از گیلیخان یا اسمی مشابه آن نمیبرد.

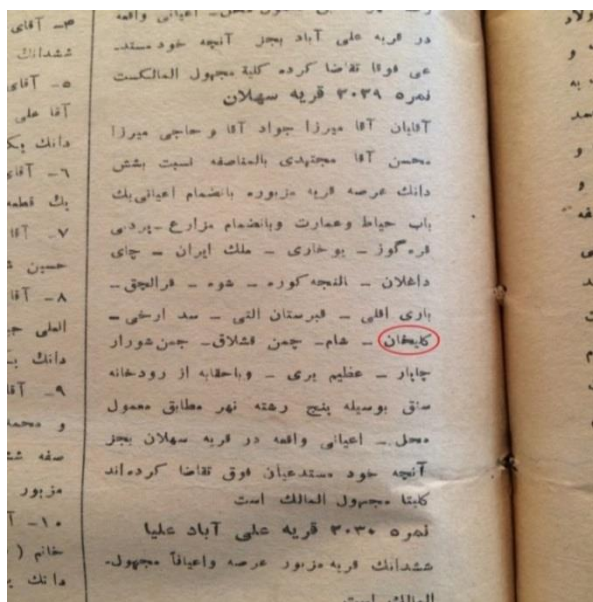
قبل از ایلخانی: در کتاب مشهور و به زبان عربی معجم البلدان یا قوت حموی، جغرافیدان و مورخ عرب، که قبل از ایلخانیان در سال ۶۱۰ هجری قمری در تبریز بوده و آنجا را همانطوریکه در صفحات ۴۱۹ و ۴۲۰ کتاب تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری دکتر محمدجواد مشکور آمده وصف نموده، اشاره ای به گیلیخان نشده است. لازم به ذکر است، بدلیل عدم وجود حرف گ در زبان عربی، جیلیخان، کیلیخان و مشابهات آنها در معجم البلدان جستجو شده، اما یافت نگشته اند.

علاوه بر اسنادی که به تفکیک دوره های تاریخی در بالا بیان شد، به کتابهای تاریخی زیادی نیز مراجعه شده است که انتظار میرفت ذکری از گیلیخان در آن کتابها باشد، ولی نام گیلیخان در آنها دیده نشده است، کتابهایی از قبیل آذربایجان در سیر تاریخ ایران نوشته رحیم رئیس نیا، نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن اثر دکتر محمدجواد مشکور، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز نادر میرزا قاجار، تاریخ تبریز ولادمیر مینورسکی، قاراقویونلوها و آغ قویونلوها تالیف توفیق نجفلو و ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، تاریخ تیموریان و ترکمنان (قاراقویونلوها و آغ قویونلوها) دکتر حسین میرجعفری، آثار باستانی آذربایجان عبدالعلی کارنگ و غیره.

۸) توپونیمهای گلیخان در اسناد روستاهای منطقه گلیخان

بدلیل از صحنه جغرافیا حذف شدن، لااقل بعنوان شهر در قرون یاد گشته قسمت فوق، در اسناد تاریخی مربوط به آن قرن‌ها نامی از گلیخان دیده نمیشود. ولی، وجود اراضی وسیع گلیخان در چند روستا که مردمانشان سینه به سینه و نسل به نسل شهر بودن آنجا را که بر اثر زلزله از بین رفته است، منتقل کرده اند و البته دلایلی که ما در این مقاله آورده ایم، گواهی بر وجود این شهر در گذشته میدهد. توپونیمهای گلیخانی در روستاهای منطقه استفاده میشوند که از اسم شهر گلیخان بجای مانده اند و از گواهان موجودیت داشتن این شهر در گذشته هستند. این توپونیمها در اسناد هم انعکاس یافته اند که در اینجا، دو سند از گلیخان ساغالان ارائه شده اند و طبیعتاً در روستاهای دیگر نیز اسناد مشابهی در مورد گلیخان بایستی باشند:

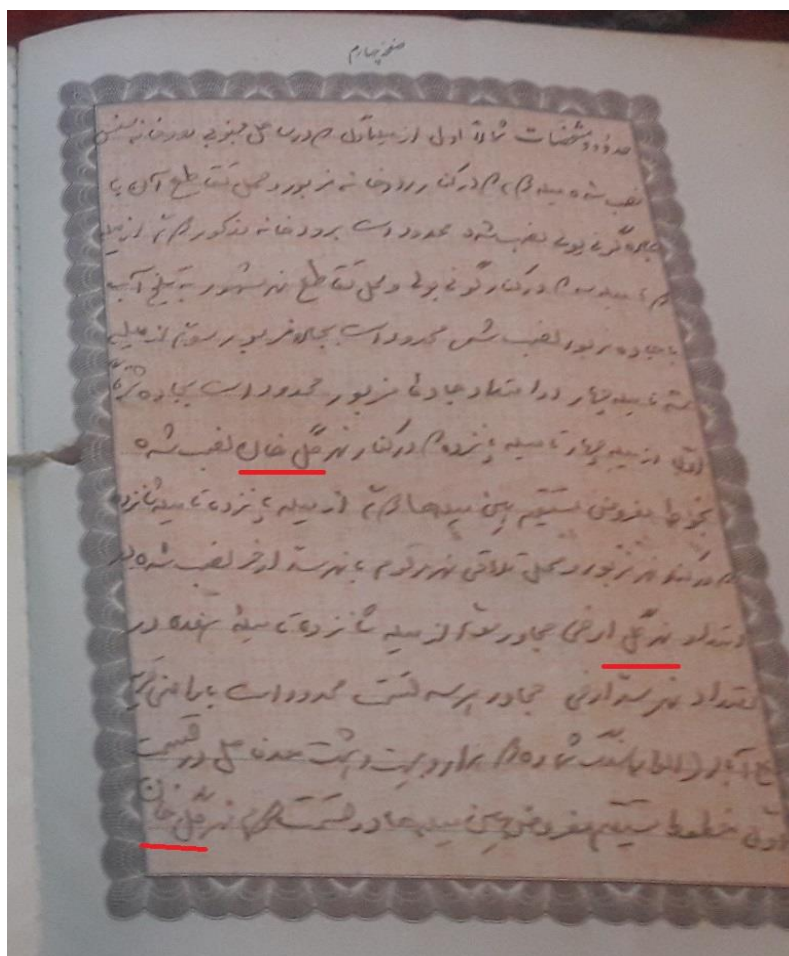
الف) در سال ۱۳۱۳ شمسی، سازمان ثبت اسناد تبریز برای سازماندهی املاک منطقه و مشخص نمودن مالکان آنها آگهی هایی منتشر کرده است. در آنجا که آگهی مربوط به ساغالان آگهی بار اول میباشد، نام این روستا سهلان درج شده است و در این سند، همانطوریکه در شکل ۱۴ نشان داده شده، گلیخان بشکل کلیخان کتابت یافته، بعنوان یکی از مزارع این روستا نام برده شده است.



شکل ۱۴: گلیخان به شکل کلیخان، سال ۱۳۱۳ شمسی

ب) نام گلیخان در اسناد رسمی اهالی ساغالان، هر چند بصورت تحریف گشته، مشاهد میگردد. تصویر شکل ۱۵ از سند مالکیت یکی از زمینداران مزارع گلیخان بنام مرحوم علی اصغر قنبری سهلان فرزند فیض الله تهیه شده است و در آن گلیخان (گلیخان) در دو مورد بشکل گل خان درج گشته است. گلیخان

آرخی، همان نهر گیلیخان میباشد که کشاورزان توسط آن نهر زمینهای واقع در آن کشتزار را آبیاری مینمایند.



شکل ۱۵: گیلیخان به شکل گل خان، سند مالکیت مرحوم علی اصغر قنبری سهلان

۹) جستجوی زلزله‌هایی که میتوانستند گیلیخان را از بین ببرند

شهر گیلیخان بدلیل موقعیت جغرافیایی مخصوصش که در قسمت سوم مقاله توصیف گردید، در اثر زلزله نمیتوانست یک دفعه از صحنه روزگار محو شود، حتی در زلزله‌هایی که آسیب کلی دیده است. قاعدتا، بازماندگان یا افراد ذینفعی بودند که میخواستند آنها را در حد توان بازسازی نمایند. مگر اینکه بدلایلی، رفته رفته نقشش را به جاهای نزدیک دیگر محول نموده باشد و پدید آمدن ساغالان شهرمانند با امکاناتی مثل بازار، کاروانسرا و حمام کنار گیلیخان در زمان صفوی که در مقاله اولیا چلبی و سهلان آمده و به فاصله ای یک منزلی تبریز سیاح عثمانی یک شب آنجا مانده، بر محولسازی نقش گیلیخان به ساغالان در آن عصر دلالت دارد.

در قسمت سوم مقاله، دو دلیل ایجاد کننده مساحت غیرمتعارف وسیع گیلیخان تحلیل شده اند و به نظر میرسد، زلزله در از بین رفتن گیلیخان نقش اصلی را داشته باشد. بیگمان گیلیخان نیز، مانند شهر زلزله خیز تبریز، در طول حیات خود بارها دچار زمین لرزه شده است. منتها گیلیخان از یکی از این زلزله ها، بر خلاف تبریز، نتوانسته لاقل بعنوان شهر کمر راست نماید و مخروبه هایش بین روستاهای اطراف تقسیم گشته است. در این قسمت ما، در جستجوی زلزله مخرب و ویرانگر مذکور میباشیم.

در طول تاریخ، زلزله هایی مهیبی در شهر تاریخی تبریز و منطقه آن اتفاق افتاده اند که وقوع و آسیبهایشان ثبت گردیده اند. بدیهی است، زلزله های رخ داده تبریز در گیلیخانی که در حدود سه فرسخی آن قرار داشته نیز احساس شده و آثار مخربی میتوانست در آنجا داشته باشد. به هر حال، با دلایلی که ما در قسمت هفتم در مورد مشاهده نشدن اسم گیلیخان در اسناد تاریخی آوردیم، گیلیخان لاقل بعنوان شهر بایستی قبل از دوره ایلخانیان از بین رفته باشد و بدین خاطر لازم است فقط زلزله های قبل از ایلخانی تبریز بررسی گردند.

یحیی ذکاء، در کتاب زمین لرزه های تبریز، سالهای وقوع هشت زمین لرزه مهلک و ویرانگر تبریز را نگاشته که از آنها دو مورد مربوط به قبل از ایلخانی بوده است: ۸۵۸ میلادی (۲۴۴ هجری قمری) و ۱۰۴۲ میلادی (۴۳۴ هجری قمری). در کتاب زلزله های بزرگ آذربایجان نوشته دکتر توحید ملک زاده دیلمقانی هم، در فصل چهارم کتاب با عنوان زلزله های تاریخی آذربایجان در مورد زلزله های بزرگ و بعد از میلاد آذربایجان از جمله تبریز توصیفات آورده شده است. در نوشته دکتر ملک زاده، سالهای زلزله های بوقوع قبل از ایلخانی به وقوع پیوسته تبریز به میلادی عبارتند از: ۶۳۴ م، ۶۹۴ م، ۷۴۶ م، ۸۳۸ م، ۸۴۹ م، ۸۵۸ م، ۸۶۸ م، ۹۴۹ م، ۱۰۲۰ م، ۱۰۴۰ م، ۱۰۴۱ م و ۱۰۴۲ م. با توجه به شدت، مرکز زمین لرزه و آسیبهای که به تبریز وارد نموده اند، از این زلزله ها دو مورد میتوانند باعث نابودی شهر گیلیخان گردند و اینها همانهایی هستند که ذکاء نیز به آنها اشاره نموده است. دکتر ملک زاده در کتابش راجع به زمین لرزه سال ۸۵۸ میلادی (۲۴۴ هجری قمری)، بزرگی آنرا ۶ ریشتر، مرکز آنرا منطقه باریش و آسیب آنرا شهر تبریز تماماً تخریب ذکر میکند. ملک زاده، راجع به ۱۰۴۲ میلادی (۴۳۴ هجری قمری)، بزرگی آنرا ۷/۶ ریشتر، مرکز آنرا ۳۸/۱ شمالی و ۴۶/۳ شرقی قید میکند که با جستجوی ما از طریق گوگل ارث نزدیکی روستای آخولا (آخوله) میشود. در اثر این زلزله، شهر تبریز بعد از ۱۹۰ سال آرامش کلاً تخریب گردیده و بیش از چهل هزار نفر کشته شده اند. آخولا، در همان دشت تبریز قرار دارد که گیلیخان بوده است و به نظر میرسد زلزله مهلک چهارم نوامبر ۱۰۴۲ میلادی (۱۷ ربیع الاول ۴۳۴ هجری قمری)، تنها زلزله قبل از ایلخانی و بعد از میلادی است که میتوانست شهر گیلیخان را از صفحه جغرافیا حذف و احتمالاً غیرقابل بازسازی نماید. البته به شرط آنکه، گیلیخان قبلاً توسط زلزله ها یا آسیبهای دیگری که اطلاعاتی از آنها در دسترس نیست از بین نرفته باشد.

بدین ترتیب مشخص میگردد، نشانی شهر گیلیخان را بایستی در تاریخ باستان منطقه جستجو نمود. فعلاً، یافته شدن آثار دوره اشکانیان از گیلیخان شنیده شده است که در قسمت بعدی به آنها خواهیم پرداخت.

۱۰) یافته شدن آثار دوره اشکانیان (پارتیان) از گیلیخان و هویت قومی آن محل باستانی

آثار زلزله، استخوان مردگان و حتی اسکلت سالم انسان، ظروف سفالی و اشیاء قدیمی موقع حفاریهای گیلیخان از اهالی منطقه زیاد شنیده شده است. از گیلیخان ساغالان، کوزه سفالی حاوی طلای پودر گشته پیدا شده است. از گیلیخان آلوار سفلی (قوم بازی) قوری سفالی و گوشتکوب قدیمی یافت گشته است. یک کشاورز ساغالانی، موقع کندن زمینهایش در گیلیخان جویها مشاهده نموده است. موارد مذکور نشان میدهند، گیلیخان برای مردمان قدیم محل زیست بوده است و همانطوریکه در قسمت پنجم گفته شد، حتی خرابه های آن توسط اهالی روستاهای مایان سفلی و نادارلی دیده شده است. در گیلیخان نادارلی (گیلیوان)، گورها مشاهده شده است که احتمالا آن ناحیه گورستان شهر باستانی بوده است. پیر مایان علیا به احتمال زیاد پیر محل مسکونی گیلیخان بوده است. نگارنده در تلاشهایش، به دو مورد یافته حاوی قدمت نیز برخورد داشته است که نشان میدهند، از گیلیخان آثار مربوط به دوره سلسله اشکانیان (پارتها) یافته شده اند که برهه تاریخی آن سلسله از ۲۴۷ سال پیش از میلاد تا ۲۲۴ پس از میلاد بوده است:

الف) حدود چهار سال پیش با یکی از اهالی ساغالان که از دوستان قدیمی من است، در مورد اشیای یافته شده از گیلیخان پرس و جو میکردم. او میگفت، خودش شیئی جالب دایره ای شکل سینی اندازه دسته دار از محوطه قوم بازی (گیلیخان) پیدا کرده بود و آنرا برده به خریدار اشیا عتیقه ارائه نموده بود. دوستم بیان میداشت، خریدار بعد از آزمایش شئی، قدمت آنرا ۲۲۰۰ سال پیش اذعان نمود و اظهار داشت، حیف که دسته شیئی شکسته بی ارزش شده است، و گرنه بهای زیادی داشت.

ب) خرداد سال ۱۳۹۹، با آقای محمد رضایی اهل مایان سفلی که در متن به او اشاره هایی شده است، در مورد گیلیخان گفتگویی داشتم. رضایی بیان میداشت، یکبار با فردی در طرفهای مشهد همصحبت شده بود و همصحبت با اشاره به سینی (سه راهی روستای ساغالان) گفته بود، در روبروی سینی و سمت دریاچه اورمیه زمینهایی وجود دارند که با دو متر حفر زمین میتوان اشیای گران قیمتی بدست آورد. همصحبت به رضایی گفته بود، او خودش با همین کار پولدار شده است! همچنین اظهار داشته بود، دو متر خاک یعنی ۲۰۰۰ سال قدمت، چرا که هر یکصد سال ۱۰ سانتیمتر به ضخامت خاک افزوده میشود! ... زمینهای صحبت شده با آقای رضایی، همان اراضی شهر باستانی گیلیخان و احتمالا قوم بازی میباشند. اما مشخص نیست، فرمول مذکور قدمت تا چه حد صحیح بوده باشد؟! شاید هم فرد مزبور از اشیای یافت شده حدود ۲۰۰۰ سال قدمتی که در گیلیخان یافته، چنین فرمول متناسبی به نظرش رسیده است!

قدمت موارد مطرح شده بالا به زمان اشکانیان مربوط میشود و پاسخگویی میراث فرهنگی تبریز و دیگران را می طلبد. با توجه به این مطالب احتمال داده میشود، گیلیخان شهری اشکانی بوده باشد و همانطوریکه در مبحث سوم هم گفته شد گیلیخان به آن وسعت احتمالا مورد توجه حکمرانها بوده و این حکمرانان میتوانند همان شاهان پارتی باشند. علاوه بر آن، همانگونه که در مبحث پیرها گفته شد، احتمال دارد پیرموسی

ساغالان هم در دوره اشکانی یکی از پیرهای گیلیخان بوده باشد. البته ممکن است، آثار دوران باستانی قبل از پارتها یا بعد از آنها هم در اراضی گیلیخان باشند و گیلیخان مربوط به دوران دیگر نیز باشد، همانگونه که در قسمت سوم در تحلیل مساحت غیرمتعارف وسیع گیلیخان بیان گردیده است.

در باره هویت قومی گیلیخان، همانطوریکه در قسمت وجه تسمیه و معناشناسی کلمه گیلیخان نشان داده شده، میتوان گفت، توپونیم گیلیخان مربوط به قوم ترک گیل/گیلی بوده یا در محیط فرهنگی ترکان ایجاد گشته است. یعنی، هویت بخشان به محل باستانی گیلیخان و ساکنین اولیه آنجا ترکان بوده اند. علاوه بر خود توپونیم، اگر گیلیخان یک شهر اشکانی باشد، خود به خود دلیلی تاریخی نیز بر زندگی ترکان در گیلیخان ارائه شده، حضور آن قوم در این مکان پررنگتر میگردد. زیرا نویسندگان زیادی از جمله جورج راولینسون مورخ اهل انگلستان در منبع انگلیسی ششمین شاهنشاهی کبیر شرقی (پارتیان)، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب درر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان و پروفیسور محمدتقی زهتابی در منبع ترکی تاریخ دیرین ترکان ایران بر ترک یا نزدیک به ترکان بودن اشکانیان دلایل تاریخی و فرهنگی ارائه کرده اند.

منابع

- ۱- ضرب الامثل های مخصوص سهلان، قدرت ابوالحسنی سهلان، ماهنامه ائل بیلیمی ویژه نامه ساغالان (سهلان)، شماره ۷۸، تبریز، تیرماه ۱۳۹۵ شمسی
- ۲- اولیا چلبی و روستای سهلان، قدرت ابوالحسنی سهلان، ماهنامه ائل بیلیمی، شماره ۱۱۶، تبریز، شهریورماه ۱۳۹۸ شمسی
- ۳- ساغالان (بازخوانی یک سند تاریخی)، قدرت ابوالحسنی سهلان و جلیل یاری، ماهنامه اوزان، شماره ۲۰، تهران، فروردینماه ۱۴۰۰ شمسی
- ۴- ساغالان در اسناد تاریخی سه قرن گذشته، قدرت ابوالحسنی سهلان، ماهنامه خدا آفرین، شماره ۲۱۱، تهران، ویژه آبان، آذر و دیماه ۱۴۰۱ شمسی
- ۵- برهان قاطع، محمدحسین بن خلف تبریزی، باهتمام دکتر محمد معین، جلد سوم، چاپ دوم، انتشارات رشدیه، تهران، فروردین ۱۳۴۲ شمسی
- ۶- اوغوزها (ترکمنها)، پروفیسور فاروق سومر، ترجمه آناردی عنصری، انتشارات حاج طلایی، گنبد کاووس، ۱۳۸۰ شمسی

۷- فرهنگ آبادیهای ایران، جلد ۱۱، نام ها و موقعیت جغرافیایی شهرها و آبادیها، کشور شاهنشاهی ایران، لطف الله مفخم پایان، انتشارات سازمان جغرافیایی کشور، ۱۳۳۹ شمسی

۸- سایت جهانی نامهای جغرافیایی:

[/https://www.geonames.org](https://www.geonames.org)

۹- فرهنگ جغرافیائی ایران (آبادیها)، جلد دوم، استان مرکزی (آبادیها) ، سرتیب حسینعلی رزم آرا، انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، مهرماه ۱۳۲۸ شمسی

۱۰- سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی، دکتر جواد هیئت، چاپ سوم، نشر پیکان، تهران، ۱۳۸۰ شمسی

۱۱- دیوان لغات الترك، شیخ محمود کاشغری، ترجمه دکتر حسین محمدزاه صدیق، چاپ اول، نشر اختر، تبریز، ۱۳۸۳ شمسی

۱۲- خان در سایت مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی:

<https://www.cgie.org.ir/fa/article/240674/%D8%AE%D8%A7%D9%86>

۱۳- آذربایجان خالقی نین سوی کوکونو دوشونرکن، میرعلی سیداوف، برگردان رحیم شاوللی، نشر اختر، تبریز، ۱۳۸۴ شمسی

۱۴- لغتنامه جامع اتیمولوژیک ترکی- فارسی دیل دنیز، اسماعیل هادی، اختر، تبریز، ۱۳۸۶ شمسی

۱۵- قان در لغتنامه چند زبانه آداسۆزلوک (مدیریت دکتر حسن بی هادی):

<https://www.adasozluk.com/post/word/show/all/%D9%82%D8%A7%D9%86>

۱۶- فرهنگ ترکی-فارسی شاهمرسی، پرویز زارع شاهمرسی، چاپ اول، نشر اختر با همکاری انتشارات آناس، تبریز، ۱۳۸۷ شمسی

۱۷- فهرست ملی ایران، فایل اکسل فهرست آثار ملی موجود در فایل زیپ شده:

[https://web.archive.org/web/20191006234339/http://iranshahrpedia.com/docs/Asar-e%20Sabti%20\(Up%20to%2026666\)%20\(Version%2090%2008%2029\).zip](https://web.archive.org/web/20191006234339/http://iranshahrpedia.com/docs/Asar-e%20Sabti%20(Up%20to%2026666)%20(Version%2090%2008%2029).zip)

۱۸- مرآت بلدان، محمدحسن خان اعتماد السلطنه، به کوشش و تصحیحات چهار جلدی دکتر عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ شمسی

۱۹- سفرنامه جیمز موریه جلد ۲، جیمز جاستی نین موریه، ترجمه ابوالقاسم سری، نشر توس، تهران، ۱۳۸۶ شمسی

۲۰- تاریخ جهانگشای نادری، میرزا مهدی خان استرآبادی، نسخه دیجیتال کتابخانه هندوستان:

<http://ndl.iitkgp.ac.in/document/QTdodkltb1RLQkJJOYkYzMW5BaVp3NDdidkxPR1JSRTJmU1dyZ21iUEE4MMD0>

۲۱- نقشه ایران در دوره زندیه:

<https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/2/2a/Historical Atlas of Iran - Plate No. 23.jpg>

۲۲- نقشه ایران در دوره افشاریه:

https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/3/3e/Persian%28IRAN%29_Empire_1747.jpg

۲۳- تاریخ عالم آرای عباسی، اسکندر بیگ ترکمان، مصحح ایرج افشار، چاپ امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰ شمسی

۲۴- تاریخ عالم آرای امینی، فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، مصحح محمد اکبر عشیق، نشر میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۲ شمسی

۲۵- سفرنامه ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)، جوزافا باربارو و دیگران، ترجمه منوچهر امیری، نشر خوارزمی، تهران، ۱۳۴۹ شمسی

۲۶- وقف نامه ربع رشیدی، رشیدالدین فضل الله همدانی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۲۵۳۶ شاهنشاهی (۱۳۵۶ شمسی)

۲۷- نزهه القلوب، حمدالله مستوفی قزوینی، مصحح محمد دبیر سیاقی، ناشر حدیث امروز، قزوین، ۱۳۸۲ شمسی

۲۸- معجم البلدان (۵ جلدی)، شهاب الدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله الحموی، بیروت، ۱۳۹۷ قمری (۱۹۷۷ میلادی)

۲۹- تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، دکتر محمدجواد مشکور، چاپخانه بهمن، تهران، ۱۳۵۲ شمسی

۳۰- اعلان، ثبت عمومی ناحیه ده تبریز (محال سرد صحرا)، نمره ۴۶۰۲، ۱۳۱۳ شمسی

۳۱- سند مالکیت، شماره ملک ۲۰۳۹، شماره ثبت ۲۰۷۸۰، دفتر ۹۹، بخش ۱۰ تبریز، نام و نام خانوادگی علی اصغر قنبری سهلان فرزند فیض الله، تاریخ ثبت هیجدهم اسفند ۱۳۵۴ شمسی

۳۲- زمین لرزه های تبریز، یحیی ذکاء، چاپ اول، انتشارات کتاب سرا، تهران، ۱۳۶۸ شمسی

۳۳- زلزله های بزرگ آذربایجان (از اوایل میلاد تا ۱۳۹۸)، دکتر توحید ملک زاده دیلمقانی، چاپ اول، نشر آینا، اورمیه، ۱۳۹۸ شمسی

۳۴- ششمین شاهنشاهی کبیر شرقی (پارتیان)، جورج راولینسون، ۱۸۷۳ میلادی:

The Sixth Great Oriental Monarchy (Parthian), George Rawlinson, 1873

<https://ia801800.us.archive.org/8/items/dli.ministry.06363/53.107%2520G%25205.pdf>

۳۵- درر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان (تاریخ اشکانیان)، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، به کوشش و اهتمام نعمت احمدی، چاپ اول، انتشارات اطلس، تهران، ۱۳۷۱ شمسی

۳۶- ایران تورکلرینین اسکی تاریخی (ایکینجی جلد)، پروفیسور محمدتقی زهتابی، نشر اختر، تبریز، ۱۳۷۹ شمسی

۳۷- آذربایجان در سیر تاریخ ایران (سه جلدی)، رحیم رئیس نیا، انتشارات نیما، تبریز، ۱۳۶۸ شمسی
۳۸- نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن، دکتر محمد جواد مشکور، چاپخانه بهمن، تهران، ۱۳۴۹ شمسی

۳۹- تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، نادر میرزا قاجار، شرح و تعلیقات محمد مشیری، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۰ شمسی

۴۰- تاریخ تبریز، ولادیمیر مینورسکی، ترجمه عبدالعلی کارنگ، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، نشر آیدین، تبریز، ۱۳۸۹ شمسی

۴۱- قاراقویونلوها و آغ قویونلوها، توفیق نجفلو، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، نشر اختر، تبریز، ۱۳۹۰ شمسی

۴۲- تاریخ تیموریان و ترکمنان (قاراقویونلوها و آغ قویونلوها)، دکتر حسین میرجعفری، چاپ هشتم، نشر مهر، قم، ۱۳۸۸ شمسی

۴۳- آثار باستانی آذربایجان (جلد اول)، عبدالعلی کارنگ، چاپخانه بهمن، تهران، ۱۳۵۱ شمسی